

267767 - می‌پرسد: اگر پیامبران انسان‌هایی کامل و معصومند چرا موسی علیه السلام تندخو بود و یک شخص بی‌گناه را کشت؟

سوال

درباره عصمت پیامبران و مبرا بودن آنان از عیب در خلقت و اخلاق خواندم اما این چطور ممکن است حال آنکه موسی - علیه السلام - نمی‌توانست به خوبی کلمات را نطق کند و چگونه انسانی را بدون گناه می‌کشد حال آنکه این با عصمت در تضاد است؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اولاً:

الله عزوجل پیامبران را گرامی داشته و آنان را آماده برداشتن بار رسالت و تبلیغ آن قرار داده، در نتیجه آنان را در خلقت و اخلاق کامل کرده و برای تبلیغ رسالت از سوی خودش برگزیده و پیامبری را در آنان و نه دیگران قرار داده است:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ [انعام: ۱۲۴]

(الله بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد).

برای همین هنگامی که بنی اسرائیل، موسی را مورد اذیت کلامی قرار دادند و او را متهم به داشتن عیب در بدنش کردند الله متعال او را مبرا نمود. آنان لخت حمام می‌کردند و در این حال یکدیگر را می‌دیدند ولی موسی - علیه السلام - به تنهایی حمام می‌کرد و خود را از دید دیگران می‌پوشاند برای همین متهمش کردند و گفتند: **به خدا سوگند موسی همراه ما خود را نمی‌شوید مگر آنکه بیضه‌هایش ورم کرده و بزرگ است! پس باری موسی برای شستن خود رفته بود و لباسش را بر سنگی گذاشته بود که سنگ گریخت و لباس را با خود برد پس موسی در پی سنگ دویده می‌گفت: لباسم ای سنگ! تا آنکه بنی اسرائیل او را دیدند و گفتند: به خدا سوگند که موسی هیچ مشکلی ندارد. پس موسی لباس را برداشت و شروع به زدن سنگ کرد. به روایت بخاری (۲۷۸) و مسلم (۳۳۹).**

ابن حجر عسقلانی در تعقیب بر این حدیث می‌گوید: **از آن دانسته می‌شود که پیامبران در خلقت و اخلاقشان در غایت کمال**

هستند و هرکس پیامبری را به عیبی در خلقتش متهم کند به او آزار رسانده و بر وی از کفر ترسیده می‌شود فتح الباری (۱۶) / ۴۳.

ثانیا:

آن سنگینی موجود بر زبان موسی یک عیب اصلی نبود و مشهور آن است که یک از آسیب پیش آمده بود که به سبب اخگری که در کودکی بر زبانش گذاشته بود پدید آمد، چنانکه برخی از مفسران ذکر کرده‌اند.

و آسیب‌ها برای انبیا رخ می‌دهد چنانکه بر دیگران، چرا که آنان مورد آزار یا آسیب قرار می‌گیرند و به سبب آن دچار نقص بدنی می‌شوند چنانکه برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در روز احد اتفاق افتاد و دندان ایشان شکست.

اما از آنجایی که این نقص پیش آمده در تبلیغ رسالت اثر منفی می‌گذاشت موسی از پروردگارش خواست که این لکنت را از بین ببرد:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا قَوْلِي [طه: ۲۵ - ۲۸]

گفت: پروردگارا سینه‌ام را گشاده گردان (۲۵) و از زبانیم گره بگشای (۲۷) تا سخنم را بفهمند).

الله تعالی نیز دعای ایشان را مستجاب نمود:

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى [طه: ۳۶]

(فرمود: ای موسی خواسته‌ات به تو داده شد).

ابن کثیر در تفسیر سخن الله تعالی درباره فرعون می‌فرماید:

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ [زخرف: ۵۲]

(آیا من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهتر [نیستم]؟).

«اینجا که می‌گوید: و نمی‌تواند درست بیان کند نیز افترا است زیرا زبان ایشان در حال کودکی به سبب آن اخگر آسیب دیده بود و ایشان از الله عزوجل خواست که گره از زبانش بگشاید تا سخنش را بفهمند و الله نیز با بیان اینکه قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى دعایش را برآورده ساخت.»

تفسیر ابن کثیر (۷/ ۲۳۲).

بنابراین دانسته شد که آسیبی که به زبان موسی - علیه السلام - وارد شده بود ربطی به ادای رسالت ایشان نداشت که بر بیان این رسالت اثر بگذارد و همینطور عاملی برای زشتی ایشان نبود و نه عیبی بود که باعث تنفر مردم یا کم ارزش شدن ایشان شود مگر از وجه دروغ و بهتان چنانکه فرعون لعین انجام داد.

ثالثاً:

انبیا برگزیده انسان‌ها و گرامی‌ترین آفریدگان نزد الله تعالی هستند و الله متعال آنان را از گناهان کبیره معصوم داشته بنابراین گناهان کبیره هرگز از آنان سر نمی‌زند و از انجامش معصومند، چه پیش از بعثت و چه بعد از آن.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

این قول که پیامبران از گناهان کبیره - نه صغیره - معصومند سخن بیشتر علما و همه طوائف است و همچنین قول بیشتر اهل تفسیر و حدیث، و فقها و از سلف و امامان و صحابه و تابعین و پیروانشان جز آنچه موافق این سخن باشد نقل نشده است».

مجموع الفتاوی (۴ / ۳۱۹).

اما امکان دارد گناهان صغیره از آنها یا برخی از آنها سر بزند، برای همین اکثر علما بر این رای هستند که آنان از گناه صغیره معصوم نیستند ولی بر آن اقرار نمی‌شوند بلکه الله تبارک و تعالی فوراً آنان را متوجه ساخته و فوراً از آن توبه می‌کنند.

از جمله این موارد کشته شدن آن قبطی توسط موسی علیه السلام بود که اولاً خود آن شخص قبطی بی‌گناه نبود و موسی نیز قصد کشتن او را نداشت بلکه این حادثه از روی خطا رخ داد و هدف موسی یاری آن مظلوم بنی‌اسرائیلی بود زیرا قبطی‌ها آنان را به بردگی گرفته بودند و در حقشان ستم روا می‌داشتند.

قرطبی می‌گوید: او از آنجایی به یاری‌اش شتافت که یاری مظلوم دین همه ملت‌هاست و در همه شریعت‌ها فرض است. قتاده می‌گوید: آن قبطی می‌خواست آن اسرائیلی را به بیگاری بکشد تا هیزم برای مطبخ فرعون ببرد اما وی نمی‌پذیرفت و از موسی یاری خواست.

قرطبی همچنین در تفسیر آیه **قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ** (گفت: پروردگارا من بر خویشتم ستم کردم، مرا ببخش، پس الله از او درگذشت) می‌گوید:

موسی به سبب آن مشتی که باعث کشته شدن نفسی شده بود پشیمان شد و همین پشیمانی او را به خضوع در برابر پروردگارش و استغفار از گناهش وا داشت...

ولی با این وجود قتلی که مرتکب شد از روی خطا بود [نه عمد] زیرا مشیت [معمولاً] باعث مرگ نمی‌شود.

و مسلم از سالم بن عبدالله روایت کرده که گفت: ای اهل عراق! چه بسیار درباره گناهان کوچک می‌پرسید و چه بسیار مرتکب گناهان بزرگ می‌شوید! از پدرم عبدالله بن عمر شنیدم که می‌گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «فتنه از اینجا می‌آید - و با دستش به سمت مشرق اشاره کرد - از جایی که دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و شما گردن یکدیگر را می‌زنید و همانا کسی که موسی از آل فرعون کشت از روی خطا بود زیرا الله عزوجل می‌فرماید:

وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا [طه: ۴۰]

(و شخصی را کشتی و تو را از اندوه رهانیدیم و تو را بارها آزمودیم).»

مختصر از تفسیر قرطبی (۱۳ / ۲۶۱).

قسطلانی می‌گوید:

و این در عصمت او خلل ایجاد نمی‌کند زیرا از روی خطا بود و اینکه در آیه آن را عمل شیطان و ظلم نامید و از آن استغفار کرد بر حسب عادت آنان بود که گناهان کوچک را بزرگ می‌دانستند.

إرشاد الساری (۷ / ۲۰۶).

بلکه بالاتر از این می‌گوییم: کشتن این قبلی با وجود آنکه سبب داشت و از روی خطا بود و قصدش را نداشت، با این وجود همه‌اش پیش از نبوت موسی علیه السلام اتفاق افتاد و پیامبران پیش از نبوت از خطا معصوم نیستند به ویژه اگر نیتشان سالم باشد و کارشان از روی انگیزه‌ای [درست] باشد.»

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌گوید:

ندانسته‌ام که بنی اسرائیل به پیامبری از پیامبران به سبب توبه‌اش در کاری ایراد وارد کنند بلکه با وارد کردن افترا به آنان آزار می‌رسانند چنانکه موسی - علیه السلام - را اذیت کردند و گرنه موسی آن قبلی را پیش از نبوت کشت و از درخواست دیدن پروردگار و دیگر موارد پس از نبوت توبه کرد و ندانسته‌ام که کسی از بنی اسرائیل برای این موارد بر او ایراد وارد سازد.

منهاج السنة النبویة (۲ / ۴۰۹).

والله اعلم